

دکتر سیدبهنام علوی مقدم

جمله و ساختار آن در زبان فارسی

همه چیز درباره‌ی جمله!

نگاهی به جایگاه جمله در کتاب‌های «بخوانیم و بنویسیم» دوره‌ی ابتدایی

اشاره

در دوره‌ی قبل، در شماره‌های ۱، ۶ و ۸ از مؤلف مقاله‌ای که اکنون آن را خواهید خواند، سه مقاله‌ی دیگر درباره‌ی دستور زبان فارسی بانگاهی به کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم دوره‌ی ابتدایی منتشر شد. بسیاری از خوانندگان مجله، از این که در این قبیل مطالب، به‌طور فشرده با مباحث دستوری کتاب‌های درسی آشنا شوند، سپاس‌گزاری کرده‌اند.

ضمن سپاس از این مخاطبان گرامی، ما هم امیدواریم بتوانیم در پاسخ‌گویی به نیازهای آموزگاران گرامی کوشا باشیم و از مؤلف محترم که از کارشناسان گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است، تشکر می‌کنیم.

جمله بزرگ‌ترین واحد زبانی است. آموزش جمله از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش زبان است. زیرا به کمک به هم پیوستن جملات است که متن زبانی به‌دست می‌آید. می‌خواهم ضمن بررسی نکاتی که در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم در مورد جمله آمده است، به توضیح بیش‌تر و ارائه‌ی مثال‌های متنوع‌تر بپردازیم. در زبان فارسی جمله‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. خبری ۲. پرسشی

پرونده

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۲
شماره‌ی ۵
بهمن ۸۸

۲۶



۳. عاطفی ۴. امری

۱. **جمله‌ی خبری:** جمله‌ای است که بیان می‌کند؛ مانند: علی می‌آمد.

خورشید طلوع می‌کند. در آخر جمله‌ی خبری باید نقطه بگذاریم.

۲. **جمله‌ی پرسشی:** جمله‌ای است که برای پرسش کردن به کار می‌رود؛

مانند: محمود، نقاشی خود را کشیدی؟ در این جمله درباره‌ی محمود پرسشی شده است.

در آخر جمله‌ی پرسشی باید علامت «؟» بگذاریم. جمله‌های پرسشی بر دو نوع‌اند:

۱. پاسخ آن‌ها بلی / خیر است: آیا تو دانش‌آموزی؟

۲. پاسخ، بلی / خیر نیست: چرا می‌روی؟ غرور آفت هنر است، یعنی

چه؟ چرا به امام رضا(ع) می‌گویند ضامن آهو؟

پایه‌ی دوم و پایه‌ی پنجم

- پدر بزرگ دعا می‌کرد؟

- او خدا را دوست دارد؟

- آیا همه‌ی درختان در بهار شکوفه دارند؟

۳. **جمله‌ی عاطفی:** جمله‌ای است که احساس، عاطفه، غم و شادی و تعجب و... را بیان می‌کند؛ مانند: عجب هوایی! چه بد!

در آخر جمله‌ی عاطفی باید علامت «!» بگذاریم.

۴. **جمله‌ی امری:** جمله‌ای است که امر به انجام کاری می‌کند یا از

انجام کاری باز می‌دارد؛ مانند شما بروید. تو بیا.

در پایان جملات امری نقطه می‌گذاریم.

جمله‌های ساده و مرکب

جمله‌ها از نظر ساخت معمولاً بر دو نوع هستند:

۱. جمله‌هایی که یک فعل دارند. در این صورت، به آن‌ها

جمله‌ی «ساده» می‌گویند؛ مانند: علی به مدرسه رفت. آیا به خانه برمی‌گردد؟

۲. جمله‌هایی که بیش از یک فعل دارند که در آن صورت «مرکب»

هستند؛ مانند:

- علی به مدرسه آمد و شهین از مدرسه برگشت.

- من این را گفتم که تجربه کسب کنی.

در جمله‌ی مرکب، حروفی وجود دارند که دو جمله را به هم متصل می‌کنند. این حروف که حروف «ربط یا پیوند» نامیده می‌شوند، عبارت‌اند

از: و، که، تا، اما، ولی و...

جملاتی که پس از حروف ربط یا پیوند (به جز حرف «و») قرار می‌گیرند، جمله‌های وابسته یا پیرو نامیده می‌شوند؛ مانند: ... تا درس

بخواند. ... که تجربه کسب کند.

پایه‌ی پنجم

شجاع کسی است که از مرگ و خطر و عاقبت بد بترسد، ولی دست

و پای خود را گم نکنند.

نکته: گاهی در جمله، برای یکی از اجزاء، توضیحی به صورت جمله‌ای

دیگر آورده می‌شود. به این گونه جمله‌ها «توضیحی» می‌گویند. جمله‌های

توضیحی می‌توانند جمله‌های وابسته یا پیرو فرض شوند، مانند:

- من - که تازه از مدرسه آمده بودم - زود برگشتم.

- محمد - که آخرین پیامبر خداست - در مکه متولد شد.

جمله‌های «موصولی» هم به این ترتیب می‌آیند. جمله‌ها موصولی

نیز جزو جمله‌های وابسته‌اند، مانند: مردی که آمد، پسر اسفندیار بود.

پایه‌ی دوم

- آموزگار با هر بچه‌ای که وارد کلاس می‌شد، سلام و احوال‌پرسی

می‌کرد.

- باید کاری بکنیم که مدرسه‌ای خوب و منظم داشته باشیم.

پایه‌ی چهارم

- پرستوها هنگام بازگشت، لانه‌های خود را - اگر آسیب‌دیده باشد

- مرمت می‌کنند.

- پدر و مادر - بدون این که احساس خستگی کنند - جوجه‌های خود

را پرورش می‌دهند.

جملات معلوم و مجهول

جمله‌ها از نظر وجه به دو گروه معلوم (شناس) و مجهول (ناشناس)

تقسیم می‌شوند. جمله‌هایی که گذرا (متعدی) باشند، قابل مجهول شدن

هستند، ولی جملات دارای فعل لازم، مجهول نمی‌شوند. در این گونه

جملات، فعل کمکی «شدن» صرف می‌شود.

پایه‌ی چهارم

معلوم: پرستوهای جوان هر سال لانه‌های جدیدی می‌سازند؛

مجهول: هر سال لانه‌های جدیدی ساخته می‌شود.

معلوم: خداوند این هوش و دانایی را به پرستوها داده است. مجهول:

این هوش و دانایی به پرستوها داده شده است.

صورت‌های افعال معلوم و مجهول در زمان‌های گوناگون به شرح

زیر است:

ماضی: ساده، نقلی، بعید، استمراری، مستمر و التزامی.

- ماضی ساده: فرستاد ← فرستاده شد. فرمول: صفت مفعولی +

شد + شناسه

- ماضی نقلی: فرستاده است ← فرستاده شده است، فرمول:

صفت مفعولی + شده + شناسه

- ماضی بعید: فرستاده بود ← فرستاده شده بود، فرمول: صفت

مفعولی، شده + بود + شناسه

- ماضی استمراری: می‌فرستاد ← فرستاده می‌شد، فرمول: صفت

مفعولی + می + شد + شناسه

- ماضی مستمر: داشتم می‌فرستادم ← داشتم فرستاده می‌شدم.



جمله و اجزای آن (نهاد و گزاره)

جمله‌های خبری را به دو بخش «نهاد و گزاره» تقسیم می‌کنند.
 نهاد: جزئی است که درباره‌ی آن خبری داده می‌شود.
 گزاره: خبری است که درباره‌ی نهاد می‌آید.

فرمول: داشت + شناسه + صفت مفعولی + می + شد + شناسه
 - ماضی التزامی: فرستاده باشم ← فرستاده شده باشم. فرمول:
 صفت مفعولی + شده + باش + شناسه

مضارع اخباری، التزامی، مستمر

نمونه: - مضارع اخباری: می فرستم ← فرستاده می‌شوم. فرمول: صفت مفعولی + می + بن مضارع + شناسه
 - مضارع التزامی: بفرستم ← فرستاده بشوم. فرمول: صفت مفعولی + ب + بن مضارع + شناسه
 - مضارع مستمر: دارم می‌فرستم ← دارم فرستاده می‌شوم. فرمول (دار + شناسه + صفت مفعولی + می + بن مضارع + شناسه)

گزاره	نهاد
آمد	علی
به مدرسه رفتند	علی و حسین
بسیار مرتب هستند.	دانش‌آموزان خوب
پیروز شدند	مردان شجاعی که جنگیدند
کتاب را دیروز خرید	او

آینده

خواهم فرستاد ← فرستاده خواهم شد؛ خواهد گفت * گفته خواهد شد. فرمول: صفت مفعولی + خواه + شناسه + شد

جمله‌های دارای افعال لازم و متعدی

لازم به ذکر است که قید، متمم، مفعول و فعل، جزء گزاره‌اند.

جمله‌های دارای فعل‌های گذرا (متعدی)، جمله‌هایی هستند که مفعول یا متمم اجباری دارند، ولی جمله‌های دارای افعال ناگذر (لازم)، مفعول نمی‌پذیرند (متمم اجباری، از جمله قابل حذف نیست).

پایه‌ی پنجم

گزاره	نهاد
ابرها را برد	باد
او را می‌شناسم	من

نمونه: پرید (ناگذر یا لازم)؛ خورد (گذرا یا متعدی).
 جمله‌ی اول به مفعول نیاز ندارد، ولی در جمله‌ی دوم به مفعول نیاز است. زیرا سؤال‌های «چه چیزی را» یا «چه کسی را» برای شنونده مطرح می‌شوند.

برخی از افعال ناگذر (لازم) با اضافه کردن «اند - انید» به بن مضارع به فعل‌های گذرا (متعدی) تبدیل می‌شوند.

مثال: پرید ← (فعل لازم) ← پیر + اند (فعل متعدی) علی پرند
 را از دیوار پراند.

← پیر + انید (فعل متعدی) مریم برادرش را از خواب پرانید.

قسمت اصلی گزاره، فعل است. فعل می‌تواند به دو صورت لازم (ناگذر) یا متعدی (گذرا) باشد. فعل لازم: فعلی است که فقط به فاعل نیاز دارد؛ مانند گل شکفت. علی افتاد.

فعل متعدی: فعلی است که علاوه بر نهاد، به مفعول یا متمم نیز نیاز دارد؛ مانند: علی به گل نگریست. علی کتاب را برد. حمزه با دشمنان اسلام جنگید.
مفعول مستقیم دارای نشانه‌ی «را» است و متمم حرف اضافه دارد.

حرف اضافه و متمم

حروف اضافه به تنهایی معنی ندارند، اما وقتی در جمله می‌آیند، به کامل شدن آن کمک می‌کنند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «از، در، به، برای و...». حرف اضافه معمولاً نشانه‌ی متمم است.

نکته: گاهی قیدها هم دارای حرف اضافه هستند. باید توجه داشت که این قیدها با متمم اجباری فعل اشتباه نشود.

راه‌های شناخت قید از متمم: قید از جمله قابل حذف است، بدون این که به معنی جمله آسیبی برسد. اما متمم اجباری فعل قابل حذف نیست و اگر حذف شود، معنی جمله ناقص خواهد بود.

نمونه: علی به گل نگریست ← علی نگریست (معنی کامل نیست).

علی با دشمنان جنگید ← علی جنگید (معنی کامل نیست).

علی با عجله آمد ← علی آمد (معنی کامل است).

گل به سرعت رشد کرد ← گل رشد کرد (معنی کامل است).

پایه‌های دوم، سوم و چهارم

- من از خانه تا مدرسه پیاده می‌روم.

- مریم برای دوستش هدیه خرید.

- شیر از گرگ قوی‌تر است.

- در مسابقه از دوستم جلو زدم.

- من با دوستم تا مدرسه پیاده رفتم.

- دیروز در جنگل چند تا پسر دیدم که با یک چوب بلند، لانه‌ی

یک سینه‌سرخ را روی یک درخت خراب کردند و یکی از تخم‌های سینه‌سرخ شکست.

- خانه‌ی ما از مدرسه دور است. خانه‌ی شما به بازار نزدیک است.

- مسابقه‌ی فوتبال را از تیم مقابل بردیم.

- دوچرخه‌سواری را به دوستم یاد دادم.

حذف فعل

فعل در جمله به دو صورت حذف می‌شود:

۱. حذف به قرینه‌ی لفظی ۲. حذف به قرینه‌ی معنوی
هرگاه فعلی در یکی از دو بخش جمله‌ی مرکب، یک‌بار آمده باشد، ولی در بخش دیگر تکرار نشود، در اصطلاح گفته می‌شود، آن فعل به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.

نمونه

- او به کتابخانه رفته و کتابی را به امانت گرفته است.

- او به دیدارش رفته و خبر را به او رسانیده است. (فعل است در

جمله‌ی اول حذف شده است.)

اما هرگاه در ظاهر جمله، فعل نباشد، ولی در معنای جمله فعلی پنهان باشد، در اصطلاح گفته می‌شود فعل به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

نکته: گاهی به جز افعال، اجزای دیگری نیز از جمله حذف

می‌شوند؛ مانند:

- دیروز به سینما رفتی؟

- رفتم. (به سینما حذف شده است.)

- آیا خبر آمدنش را شنیدی؟ شنیدم (خبر آمدنش را حذف

شده است.)

جابه‌جایی اجزای جمله

معمولاً در جمله‌های فارسی ترتیب اجزای جمله به این صورت است (پرانتر یا کمانک در این جا نشانه‌ی اختیاری بودن است و ممکن است در بعضی از جملات، کلمات داخل پرانتز وجود نداشته باشند):

نهاد + (مفعول) + (متمم) + فعل

سارا غذا را به کودک داد.

سعید کتاب را از مجید گرفت.

البته قید هم یکی از اجزای جمله است. که جای آن در جمله قابل تغییر است و می‌تواند در مکان‌های متفاوتی قرار بگیرد. علاوه بر قید، اجزای دیگر جمله هم چون نهاد، مفعول، متمم و فعل نیز قابلیت جابه‌جایی دارند.

نمونه

- دیروز مجید غذا را به کودک داد.

- دیروز مجید به کودک غذا را داد.

- غذا را مجید دیروز به کودک داد.

پایه‌ی سوم

- امروز می‌خواهیم نماینده‌ی جدید برای کلاسما انتخاب

کنیم.

این جمله را به چند شکل دیگر هم می‌توان گفت:

- می‌خواهیم امروز نماینده‌ی جدید برای کلاسما انتخاب

کنیم.

- برای کلاسما می‌خواهیم امروز نماینده‌ی جدید انتخاب

کنیم.

- می‌خواهیم امروز برای کلاسما نماینده‌ی جدید انتخاب

کنیم.